

## بی مقدمه!

«لیونل آندرس لئو مسی کوچیتینی»، ۲۹ ساله، گفته‌اند: بهترین بازیکن تاریخ فوتبال، باهوش‌ترین بازیکن دنیا که در یک‌صدم ثانیه، توانایی تصمیم‌گیری با توپ را دارد. او بهترین گلزن تاریخ باشگاه بارسلونا و جوان‌ترین آرژانتینی است که در جام جهانی بازی کرده و گلزنی کرده است. مسی در سال ۲۰۰۸ به همراه تیم فوتبال آرژانتین مدال طلای المپیک را کسب کرد...<sup>۱</sup>

این‌ها اندکی از افتخارات این نابغه فوتبال دنیاست؛ اما هیچ‌کدام از این‌ها و بلکه اگر ده برابر این افتخارات را هم داشت، باعث نمی‌شد و نشد که از فحش‌های خیل‌کثیری از ایرانی‌ها در امان بماند: «آهن‌آلات، ضایعات، مسی‌جات خریداریم!»، «تو در مقابل ایران هیچی نیستی عمت هم همینطور»، «این کوتوله می‌خواد بیاد با ایرانیا بازی کنه؟؟؟ به ما نمی‌خوری آخه کوچولو...»

این‌ها نمونه کوچکی و قابل بیان از حدود چهل هزار کامنت ایرانی است که پس از اتمام مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۱۴ و مشخص شدن این‌که تیم آرژانتین و ایران هم‌گروه هستند، زینت‌بخش صفحه فیس‌بوک مسی شده است.<sup>۲</sup>

## آیا تنها ایرانیان فحش می‌دهند؟

از آنچه تاکنون گفته شد، خواننده گمان نکند که قصد نویسنده این مقاله بیان این نکته است که تنها ما ایرانیان و آن هم در عصر حاضر، اهل فحش و فحاشی هستیم؛ زیرا دشنام‌گویی نه ویژه ایرانیان است و نه اختراع دوران معاصر.

در واقع، همه جوامع بشری در همه ادوار تاریخی فحش داشته‌اند؛ چون غرایز تندی مانند خشم، ترس، نفرت و حسادت همواره و همه‌جا وجود داشته و دارد و به‌طور طبیعی یکی از راه‌های جاری شدن این احساسات از درون انسان به بیرون زبان است و یکی از

۱. ر.ک: ویکی‌پدیا.

۲. ر.ک: جام نیوز، ۹۲/۹/۱۶

آسان‌ترین قالب‌های زبانی بیان هرکدام از این عواطف، فحش و دشنام یا به تعبیر عربی سب و هجا است؛ اگرچه دشنام دادن تنها با زبان دهان نیست و زبان بدن هم در این زمینه سهمی دارد. در یک جمله، عجین شدن احساسات تند منفی با زبان، فحش تولید می‌کند. پس تا این‌جا پاسخ دو پرسش پیدا شد: آیا فحش از تولیدات ملی دوره ماست یا در جاهای دیگر و روزگاران دیگر هم بوده است؟ فحش چگونه به وجود می‌آید یا به تعبیر بهتر چرا ما فحش می‌دهیم؟

این گستردگی زمانی و مکانی، از اسناد تاریخی نیز به دست می‌آید؛ از فحش‌های افراسیاب تورانی که در زامیاد پشت اوستا نقل شده، گرفته تا متون حقوقی و عهدنامه‌هایی که از مصر باستان برجای مانده است و نیز از فحش‌های شاعرانه سوزنی سمرقندی گرفته تا فحش‌های آبدار مارک تواین آمریکایی و البته هجویات شاعران کهن عرب‌زبان هم که جای خود دارد.<sup>۱</sup>

شگفت آنکه پژوهش‌ها نشان داده است که فحش دادن، اختصاص به انسان‌ها ندارد؛ بلکه حیوانات هم در این زمینه استعداد دارند. چنان‌که در رفتار معدود میمون‌هایی که به آن‌ها زبان کر و لال‌ها تعلیم داده شده بود، دیده شده است؛ برای مثال شامپانزه‌ای که زبان کر و لال‌های آمریکایی را به او تعلیم داده بودند و علامات لغات «کثیف» یا «کثافت» را هم در این زبان بلد بود و نیز تفاوت بین لغات «گربه» و «شامپانزه» را هم می‌دانست؛ وقتی از دست شامپانزه دیگری خشمگین شد او را «گربه کثیف» خواند. همچنین گوریل معروف «Koko» که او هم این زبان را آموخته بود، در هنگام خشمگین شدن لغات و اصطلاحات ساده و توهین‌آمیزی همچون «احمق» و «لعنتی» و گاه بدتر از این‌ها را به کار می‌برد.<sup>۲</sup>

بعید می‌دانم هیچ خواننده فرهیخته‌ای از آنچه تاکنون گفته شد، چنین استدلال کند: «حال که فحش در همه زمان‌ها و زبان‌ها و مکان‌ها بوده و هست و خواهد بود و حتی حیوانات نیز اگر آب‌اش را پیدا کنند، شناگران قابلی خواهند بود، پس فحش امری طبیعی و

**فحش و دشنام‌گویی یکی از راه‌های بیان عواطفی منفی مانند خشم و نفرت و ترس و حسادت است و کم و بیش در همه عصرها و ملت‌ها و حتی در بین حیوانات هم بوده است؛ اما به جهت پیامدهایی منفی که از آن ناشی می‌شود، هم به حکم دین و هم به فتوای خرد باید از آن پرهیز کرد.**

سرشتی است و نه ممکن است و نه ضروری که بخواهیم با آن به ستیزه برخیزیم و فحش‌دهندگان را شماتت کنیم؛ زیرا این استدلال همان‌قدر سست و بی‌آبرو است که کسی بگوید حال که کم و بیش همواره و همه‌جا زنا یا لواط بوده و حتی به نوعی این رفتارها در حیوانات هم گه‌گاه یافت می‌شود، پس نه ممکن است و نه ضروری که بخواهیم با آن ستیزه کنیم و فاعلان آن را شماتت کنیم! چراکه اتفاقاً وارونه این سخن را باید در نظر گرفت که اگر می‌خواهیم بین خود و حیوانات فرقی بگذاریم، باید از دشنام‌گویی فاصله بگیریم؛ افزون بر این، از اساس، فحش دادن هم از نظر خرد و هم از نظر دین مردود و مطرود است؛ گیریم که گاهی به قصد شوخی باشد یا علامت صمیمیت یا به قصد ادخال سرور!

### تعریف فحش و بیان پیامدهای منفی آن

فحش، نام یا نسبت زشتی است که هنگام ناراحتی و تنفر از کسی به او داده می‌شود؛ بنابراین، کلماتی که مفاد آن‌ها هتک و اهانت به دیگری است، مصداق دشنام یا سب به‌شمار می‌روند، مانند قذف (نسبت زنا یا لواط دادن به کسی) و کسی را با لقب زشت خواندن، از قبیل فاسق، پست، نجس، سگ و خوک.<sup>۳</sup>

و اما برخی از پیامدهای منفی فحش دادن به شرح زیر است:

#### • ایجاد دشمنی

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «به مردم ناسزا نگویند که با این کار در

۱. ر.ک: امیدسالار، «نکاتی درباره فحش و فحاشی در زبان فارسی»، ص ۳۴۰-۳۵۰.

۲. ر.ک: همان.

۳. ر.ک: هاشمی‌شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۳، ص ۶۱۸.

## دشنام دادن به «مسی» غیرمسلمان چه حکمی دارد؟

شاید کسی بگوید که فحش دادن به مؤمن حرام است و «مسی» که مسلمان هم نیست تا چه رسد به مؤمن، پس اشکالی ندارد به «مسی» فحش بدهیم. در پاسخ می‌گوییم از نظر فقهی گفته‌اند: «دشنام به کافر جایز است البته به شرطی که از نوع تهمت به قذف نباشد»<sup>۵</sup> این درست؛ اما چند نکته باریک‌تر ز مو اینجاست که نمی‌توان بی‌اعتنا از کنار آن‌ها گذشت: اول اینکه دشنام دادن به کافر، گاهی پنهانی است و به گوش او نمی‌رسد که بخواهد واکنش نشان بدهد و گاهی آشکار که در مثال ما «سوپرآشکارا» است و خبرش در همه دنیا پیچید؛ دوم این که گاهی کافر کاری کرده است و حرفی زده است و جسارتی کرده است، مثل این که مشرکان مکه پیامبر ﷺ را هجو می‌کردند و پیامبر ﷺ هم به شاعر اردوگاه خود، حسان بن ثابت می‌فرمود: تو هم آن‌ها را هجو کن.<sup>۶</sup> اما آیا هم‌گروه شدن در یک بازی فوتبال و احتمال گل خوردن از او مجوزی برای چند ده هزار ناسزاگویی است؟ سوم این که خداوند تعالی از ما خواسته که به پیامدهای کارهایمان توجه کنیم. او در کتاب کریم خود فرموده است: «و آنانی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی

دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد...» (انعام: ۱۰۸)

حالا اگر «مسی» هم می‌آمد و چاک دهانش را باز می‌کرد و دین و مذهب و فرهنگ کشورمان را می‌شست چه باید می‌کردیم؟ آیا ارزشش را داشت؟ باز گلی به جمال او که پاسخی مؤدبانه به این همه بد و بیراه داد؛ چنان که در وبگاه‌های اینترنتی منتشر شد، پاسخ او چنین بوده:

«من برای این مردم متأسفم؛ زیرا این گونه واژه‌ها بسیار غیردوستانه هستند».<sup>۷</sup>

و بعد از این که برخی از کاربران ایرانی بابت فحش و فزیت‌های برخی از هموطنان‌شان برایش پیام عذرخواهی فرستادند او در جواب

از تمام این حرف‌ها گذشته، گیریم «لیونل مسی» غیرمسلمان باشد و فحش دادن به او جایز، پس برای فحش‌های رنگارنگی که از صبح تا شب در خانه و خیابان و پارک و پاساژ نثار هموطنان مسلمان شیعه خود می‌شود، دیگر چه توجیهی داریم؟ می‌خواهم بگویم که مشکل چیز دیگری است؛ مشکل این است که ما عادت کرده‌ایم به دشنام دادن.

میان آن‌ها دشمن پیدا می‌کنید.»<sup>۱</sup>

### • سقوط

امام کاظم ﷺ می‌فرماید: «هیچ‌گاه دو تن به هم دشنام ندادند جز آنکه بالاتر به مرتبه فروتر سقوط کرد.»<sup>۲</sup>

### • بدترین بنده خدا شدن

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «بدترین بندگان خدا کسی است که از ترس فحش او، هم‌نشینی با او را خوش ندارند.»<sup>۳</sup>

### • محرومیت از بهشت

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خداوند بهشت را بر هر فحاش بد زبان بی‌شرمی که باکی ندارد چه گوید و چه شنود، حرام کرده است.»<sup>۴</sup> برای آشنایی بیشتر با پیامدهای ناخشنودکننده فحش کافی است سری به ستون حوادث روزنامه‌های کثیرالانتشار بزنیم.

ناگفته نماند که در کتاب‌های فقهی، استثنائاتی برای فحش دادن بیان شده است. برای مثال فاسق و بدعت‌گزار که البته آن هم شرط و شروطی دارد که برای اطلاع از آن‌ها می‌توان به کتاب‌های فقهی استدلالی یا رساله‌های عملیه مراجع بزرگوار تقلید مراجعه کرد.

۱. ر.ک: کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۳.

۲. ر.ک: دلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۰۵.

۳. ر.ک: حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۶، ص ۳۰.

۴. ر.ک: عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، ج ۲، ص ۲۹۹.

۵. ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۶۱.

۶. ر.ک: نجفی، پیشین، ج ۲۲، ص ۶۱.

۷. ر.ک: تابناک، کد خبر ۳۶۲۹۸۲.

وجود را نداریم و از طرفی از کودکی نیز فحش‌کاری را به‌عنوان ابزاری مؤثر در تعامل با دیگران یاد گرفته‌ایم. این است که هیچ‌کس از تیغ فحش برخی از ما در امان نیست؛ می‌خواهد لیونل مسی باشد یا همسرش لیلی یا دوستش لهراسب یا همسایه‌اش لقمان یا همکارش لطیف یا همشهری‌اش که حتی اسم‌اش را نمی‌داند ولی شاید او هم اسم‌اش با حرف «ل» آغاز شود!

بگذریم. اگر بخواهیم با هم رو راست باشیم باید اعتراف کنیم که تقریباً بیشتر ما خواسته و یا ناخواسته به این بیماری مبتلاییم؛ پس بهتر است بدانیم چگونه می‌توانیم این عادت را از سر خود وا کنیم.



### راهکارهای بازداشتن زبان از زشت‌گویی

برخی از راهکارهای نگه‌داشتن زبان از دشنام‌گویی عبارت است از: آموختن و تمرین مهارت‌های کنترل خشم، مهارت مواجهه با ناکامی و مهارت ابراز وجود؛ مطالعه و تفکر در زمینه فحش و پیامدهای منفی دنیوی و اخروی آن؛ تمرین لب فرو بستن در موقعیت‌هایی که پیش از این معمولاً فحش داده‌ایم؛ قرار گذاشتن با خود برای فحش ندادن و تعیین جریمه‌ای برای خود در صورت پای‌بند نبودن به این قرار؛ کم کردن معاشرت با افراد پرفحش و افزایش معاشرت با افراد مؤدب، باوقار و پاک زبان؛ جایگزین کردن کلمات مثبت به‌جای فحش‌هایی که عادت

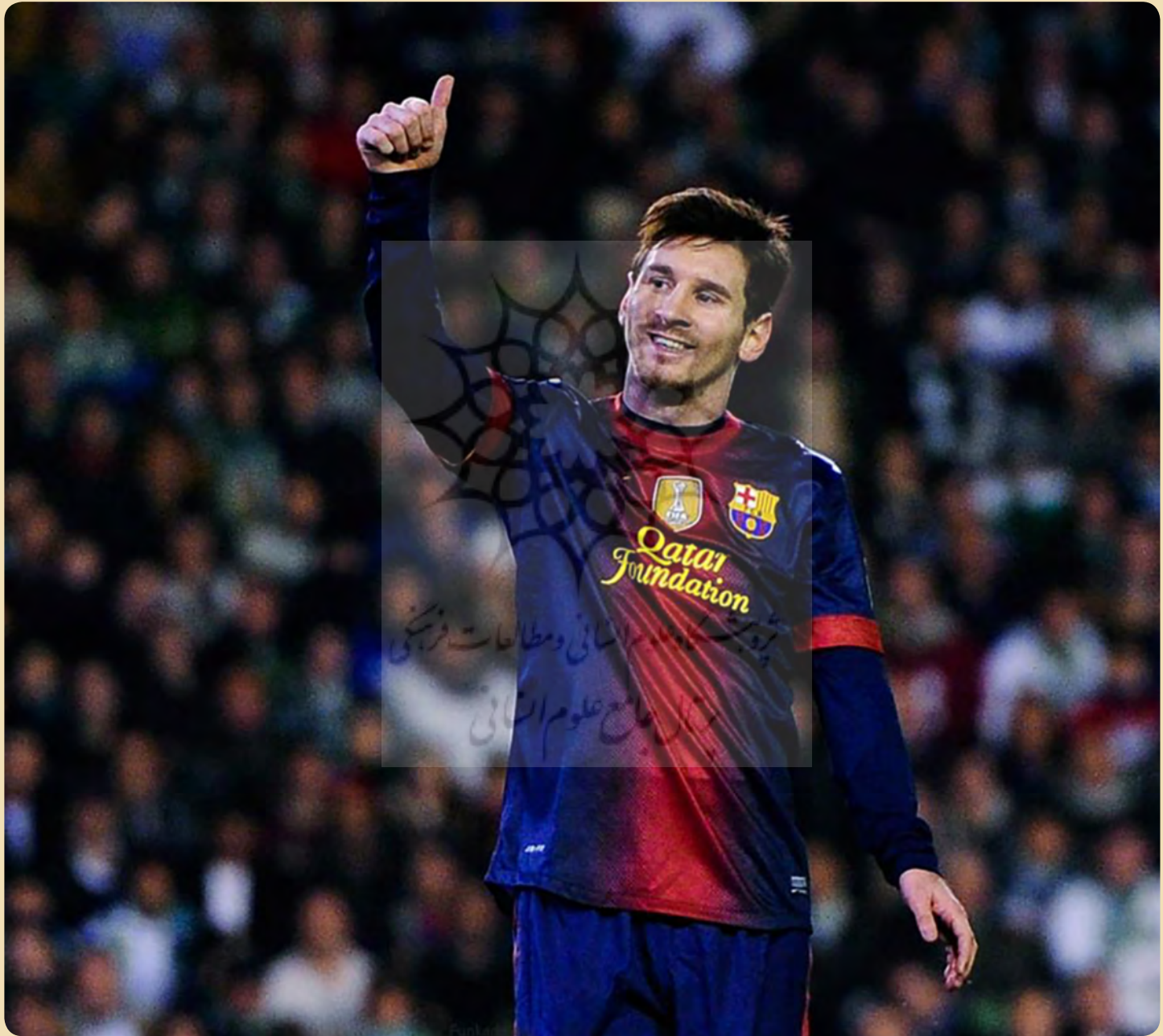


چنین گفته است:

«ایرانی‌های عزیز، نیازی به عذرخواهی نیست. من می‌دانم ایران فرهنگی غنی دارد و من می‌دانم این‌هایی که تهدید کردند ایرانی‌های واقعی نیستند. من برای مسابقه ایران- آرژانتین سخت تمرین می‌کنم و از تمام انرژی‌ام برای رویارویی با مدافعان تیم ایران استفاده خواهم کرد.»<sup>۱</sup>

و سرانجام اکنون که کشور ما پرچم‌دار تشیع در دنیاست و از مشکلات بزرگ امروز ما، تلاش بدخواهانمان برای بدنام کردن ما و هراساندن دیگران از ماست، چنین کارهایی به نفع چه کسی تمام می‌شود؟ از تمام این حرف‌ها گذشته، گیریم «لیونل مسی» غیرمسلمان باشد و فحش دادن به او جایز، پس برای فحش‌های رنگارنگی که از صبح تا شب در خانه و خیابان و پارک و پاساژ نثار هموطنان مسلمان شیعه خود می‌شود، دیگر چه توجیهی داریم؟ می‌خواهم بگویم که مشکل چیز دیگری است؛ مشکل این است که ما عادت کرده‌ایم به دشنام دادن. بسیاری از ما مهارت مقابله با خشم و ناکامی و ابراز

۱. ر.ک: انتخاب، کد خبر ۱۴۰۵۴۸.



پروفیسر علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
ذوالمطالع علوم انسانی

### بی نتیجه!

فحش و دشنام‌گویی یکی از راه‌های بیان عواطفی منفی مانند خشم و نفرت و ترس و حسادت است و کم و بیش در همه عصرها و ملت‌ها و حتی در بین حیوانات هم بوده است؛ اما به جهت پیامدهایی منفی که از آن ناشی می‌شود، هم به حکم دین و هم به فتوای خرد باید از آن پرهیز کرد. برخی از راهکارها در این زمینه عبارت‌اند از: آموختن و تمرین مهارت‌های کنترل خشم و مقابله با ناکامی و ابراز وجود، مطالعه درباره فحش و آثار منفی آن، تمرین سکوت، بازنگری در معاشران خود، واژه‌ها و عبارت‌های مثبت را جایگزین ناسزا کردن.

### کتاب‌نامه

امیدسالار، محمود، «نکاتی درباره فحش و فحاشی در زبان فارسی»، نشریه ایران‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۱.

ترحینی عاملی، سید محمدحسین، الزبدة الفقهية فی شرح الروضة البهية، چاپ چهارم، قم، دار الفقه للطباعة و النشر، ۱۴۲۷ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محقق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل‌البتین (ع)، ۱۴۱۶ق.

دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۶۶ش.

عاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، مصحح: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۱ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، محقق ابراهیم سلطانی‌نسب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.

هاشمی‌شاهرودی، محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت (ع)، تحقیق و تألیف موسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (ع)، قم، چاپ اول، موسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (ع).

حالا اگر «مسی» هم می‌آمد و چاک دهانش را باز می‌کرد و دین و مذهب و فرهنگ کشورمان را می‌شست چه باید می‌کردیم؟ آیا ارزشش را داشت؟ باز گلی به جمال او که پاسخی مؤدبانه به این همه بد و بیراه داد؛ چنان‌که در وبگاه‌های اینترنتی منتشر شد، پاسخ او چنین بوده:

«من برای این مردم متأسفم؛ زیرا این‌گونه واژه‌ها بسیار غیردوستانه هستند».

فحش و دشنام‌گویی یکی از راه‌های بیان عواطفی منفی مانند خشم و نفرت و ترس و حسادت است و کم و بیش در همه عصرها و ملت‌ها و حتی در بین حیوانات هم بوده است؛ اما به جهت پیامدهایی منفی که از آن ناشی می‌شود، هم به حکم دین و هم به فتوای خرد باید از آن پرهیز کرد.

زبانی ما شده‌اند؛ دوستی درباره خواهر زاده کودکستانی‌اش می‌گفت که به مهران کوچولو یاد داده‌اند که موقع عصبانیت از دست کسی بگوید: «گوزن!» (خب گوزن بسیار محبوب‌تر و آبرومندتر از خر و الاغ و گراز است و بعید است کسی از گوزن بودن بدش بیاید). از شوخی گذشته، حتماً دیده‌اید آدم‌هایی دوست‌داشتنی را که در جاهایی که بقیه دشنام می‌دهند آن‌ها ذکر می‌گویند یا دعا می‌کنند. مثلاً لاله‌الله (و سرش را هم تکان می‌دهد)، خدا خیرت بدهد، پناه بر خدا و...

و سخن را تمام کنیم با جمله‌ای از جناب حافظ که فرمود:  
اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم.